

یادی از آرشاگا حقوقدان و سیاستمدار بزرگ جهان سوم

دکتر ناصرعلی منصوریان

اگر سازمان ملل متحد تحت تأثیر تحولات جدید روابط بین‌المللی و به منظور توسعه و تکامل هر چه بیشتر حقوق بین‌الملل، دهه ۱۹۹۰ را دهه حقوق بین‌الملل نامگذاری کرده است اما، به عنوان تقارنی گریزناپذیر و تأسف بار، این واپسین دهه قرن بیستم هنوز به نیمه راه نرسیده شاهد فقدان برجسته‌ترین حقوقدانان بین‌المللی بوده است.

پس از آنکه در آستانه این دهه، به سال ۱۹۸۹، میشل ویرالی^۱ و هانری باتیفول^۲ فوت کردند، از سال ۱۹۹۰

۱. برای آشنایی با احوال و افکار ویرالی (Michel Virally) رک. دکتر ناصرعلی منصوریان: «یاد استاد میشل ویرالی، حقوقدان بین‌المللی و فیلسوف حقوق»، مجله حقوقی، ش ۱۱، پائیز-زمستان ۱۳۶۸، صص ۹۷-۱۲۴.

۲. هانری باتیفول (Henri Batiffol) استاد حقوق بین‌الملل خصوصی دانشگاه پاریس در ۲۰ نوامبر ۱۹۷۹ درگذشت. وی صاحب کتاب مفصل دوجلدی در حقوق بین‌الملل خصوصی است که اولین و مهمترین مرجع متخصصان این رشته در اروپا به شمار می‌رود. برای آگاهی بیشتر از شرح حال او رک.:

M. Ancel: "In Memorial Henri Batiffol (1905-1989)", in *Revue Internationale de Droit Compare*, Vol. 42, No. 2, Avril – Juin 1990, pp. 457 – 458.

تاکنون جامعه جهانی حقوقدانان و
چهره‌های بزرگ دیگری چون
کلود آلبرکلیار،^۳ مارک آنسل، رنه
داوید،^۴ پل روتر،^۵ رونالد گراوسون،^۶
برتولد گلدمن،^۷ مانفرد لاکس،^۸ شارل
روسو،^۹ محمدعلی حکمت،^{۱۰} خیمنز دوآرشاگا،^{۱۱}
خوزه ماریا رودا،^{۱۱} و بالاخره تاراسوف،
آگو و باستید^{۱۲} را یکی پس از دیگری از
دست داد.

3. Claude – Albert Colliard.

۴. مارک آنسل (Marc Ancel) و رنه داوید (Rene David) هر دو از
استادان بزرگ فرانسوی حقوق تطبیقی بودند. آنسل مؤسس
مرکز حقوق تطبیقی پاریس (خیابان سن گیوم) محسوب می
گردد. او در سال ۱۹۹۰ فوت کرد. برای آشنایی بیشتر با
شرح حال او رک.:

X. Blanc – Jouvan, A. Tunc, R. Badinter: "Marc Ancel (1902 – 1990)", in R. I.D. C., Vol. 42,
No. 4, Oct – Dec. 1990, pp. 1093-1103.

رنه داوید، استاد بزرگ حقوق تطبیقی که در ۲۶ مه ۱۹۹۰
درگذشت آثار ارزشمندی در حقوق تطبیقی و داوری تجاری
از خود به جا گذاشته است. کتاب اصلی رنه داوید به
فارسی ترجمه شده است. رک. نظامهای بزرگ حقوقی معاصر،
ترجمه دکتر عزت الله عراقی، دکتر حسین صفائی و دکتر محمد
آشوری، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۴/

5. Paul Reuter.

6. Ronald Harry Graveson.

7. B. Goldman.

8. M. Lachs.

9. Charles Rousseau.

10. Eduardo Jemenez de Arechaga.

11. Jose Maria Ruda.

12. Nikolai Konstantinovitch Tarassov, Roberto Ago, Suzanne Bastid.

کلپیار که استاد دانشگاه سوربن و رئیس افتخاری دانشکده حقوق گرنوبل بود، تا هنگام مرگ در ژانویه ۱۹۹۱، آینه نیم قرن تحولات حقوق بین‌الملل در اروپا به‌شمار می‌رفت. کتاب اصلی استاد کلپیار به فارسی برگردان شده است.^{۱۳}

پل روتر که سالیان طولانی در دانشگاه پاریس حقوق بین‌الملل عمومی تدریس می‌کرد، صاحب کتابهای متعدد در حقوق بین‌الملل و روابط دیپلماتیک است. وی در ۱۹ آوریل ۱۹۹۰ فوت کرد.

رونالد هاری گراوسون، استاد معروف حقوق بین‌الملل خصوصی در کینگزکالج لندن بود که در پنجم ژانویه ۱۹۹۱ درگذشت.^{۱۴}

برتولد گلدمن، استاد حقوق بین‌الملل خصوصی سابق دانشگاه پاریس دارای آثار متعددی در زمینه حقوق شرکتهای چند ملیتی است. او در سال ۱۹۹۳ فوت نمود.

مانفرد لاکس، استاد لهستانی حقوق بین‌الملل و قاضی دیوان بین‌المللی

۱۳. رک. نهادهای روابط بین‌الملل، ترجمه و تحقیق از دکتر هدایت فلسفی، مجلد اول، تهران، نشر نو، ۱۳۶۸- مجلد دوم، نشر فاخته، ۱۳۷۱.

۱۴. برای آگاهی بیشتر از شرح حال او رک.:

J. G. Collier: "In Memory of Professor Ronald Harry Graveson", in *British Yearbook of International Law*, Vol. LXI, 1990, PP. IX-X.

دادگستری که در طرفداری از اندیشه‌های حقوقی جهان سوم شهرت داشت، در ۱۴ ژانویه ۱۹۹۳ در لاهه درگذشت.

شارل روسو، استاد بزرگ حقوق بین‌الملل عمومی که همزمان با سالیان دراز تدریس در دانشگاه سوربن صاحب امتیاز و مدیر مجله حقوق بین‌الملل عمومی منتشره در پاریس بود، پس از نود و یک سال زندگی پربار در ۱۴ فوریه ۱۹۹۳ دارفانی را وداع گفت.^{۱۵}

دکتر محمدعلی حکمت، استاد سابق دانشکده حقوق دانشگاه تهران و مترجم کتاب حقوق بین‌الملل عمومی شارل روسو (انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷) در ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۲ در پاریس درگذشت.^{۱۶}

خوزه ماریا رودا، استاد آرژانتینی حقوق بین‌الملل و قاضی و رئیس سابق دیوان بین‌المللی دادگستری، تقریباً سه سال (۱۹۹۱-۱۹۹۳) ریاست دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده در لاهه را عهده‌دار بود. وی در هفتم ژوئیه ۱۹۹۴ در اسپانیا فوت کرد.

۱۵. رک. مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۴-۱۳، از پاییز ۱۳۷۲ تا تابستان ۱۳۷۳، صص ۵۱۹-۵۲۱.

۱۶. رک. همان، صص ۵۲۲-۵۲۴.

نیکولای کنستانتینوویچ تاراسف که از ۱۹۸۵ قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری بود در ۲۸ سپتامبر ۱۹۹۴ در لاهه درگذشت. وی از جمله سیاستمداران با سابقه روس در زمره حقوقدانان بزرگ جهان سوسیالیسم به شمار می‌رفت. بین سالهای ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۱ تاراسف، کنسول شوروی آن زمان در تهران بوده است.

اخیراً نیز، در ماههای فوریه و مارس ۱۹۹۵ (زمستان ۱۳۷۳)، دو تن دیگر از حقوقدانان بزرگ بین‌المللی، به ترتیب قاضی آگو و پروفسور سوزان باستید، دارفانی را وداع گفتند.^{۱۷}

۱۷. روبرتو آگو حقوقدان معروف ایتالیایی، استاد دانشگاه رم، عضو و سپس رئیس کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد بود. به عنوان عضو انستیتو حقوق بین‌الملل از چهار سال پیش به ریاست آن برگزیده شده بود. برای آگاهی از زندگینامه، آثار و افکار او رک.:

Le droit international a l'heure de sa codification – Etude en l'honneur de Roberto Ago, vol. I, Milano – Dott, A. Giuffre Editore, 1987. PP. XI –XIX, 1-47.

خانم سوزان باستید حقوقدان مشهور فرانسوی، استاد دانشگاه پاریس، عضو انستیتو حقوق بین‌الملل و انستیتو فرانسه و رئیس افتخاری جامعه فرانسوی حقوق بین‌الملل بود. شهرت او در ابتدا به خاطر پدرش ژول بادوان (J. Basdevant) قاضی و رئیس دیوان بین‌المللی دادگستری بود. در مورد سوزان باستید رک.:

P. M. Eisemann: "Suzanne BASTID (1906 – 1995)" in *Clunet* N 2, avril-mai-juin 1995, PP. 263-265.

یادی از آرشاگا ... ❖ ۳۰۹

بین حقوقدانان مزبور قاضی ادوارد و
خیمنز دو آرشاگا که اخیراً در چهارم
آوریل ۱۹۹۴ به طور ناگهانی در یک حادثه
اتومبیل جان باخت، از اهمیت
فوقالعاده‌ای برخوردار بود. آگاهی از
زندگی و اندیشه‌های او و درس گرفتن از
ویژگیهای انسانی‌اش برای حقوقدانان و
رجال جامعه کنونی بین‌المللی بس ضرورت
دارد.

۱ زندگی

ادوارد و خیمنز دو آرشاگا در هشتم
ژوئن ۱۹۱۸ در شهر مونتیه ویدئو
(اروگوئه) متولد شد. در دانشکده حقوق
دانشگاه جمهوری (اروگوئه) تحصیلات عالی
حقوق را طی کرد و به سال ۱۹۴۲ در بیست
و چهار سالگی دکترای حقوق گرفت. او
چهار سال بعد به عنوان استاد حقوق
بین‌الملل، کارش را در دانشکده مونتیه
ویدئو شروع کرد و مدت بیست و سه سال در
همان دانشگاه تدریس نمود. در این زمان
هشت سال عضو کمیسیون حقوق بین‌الملل ملل

متحد بود (۱۹۶۱-۱۹۶۹) و ریاست پانزدهمین اجلاسیه آن را برعهده داشت. آرشاگا در آن سالها تحلیلهای حقوقی ارزشمندی از خود برجای گذاشت. همچنین، طی سالهای ۱۹۶۶-۱۹۶۹ مشاور حقوقی دولت اسپانیا در دعوای بارسلونا تراکشن نزد دیوان بین‌المللی دادگستری بود و در سال ۱۹۶۹ نمایندگی اروگوئه را در کنفرانس ملل متحد راجع به حقوق معاهدات (وین) به‌عهده داشت. در همین دوران یک بار مقام وزارت کشور اروگوئه را پذیرفت. سال ۱۹۶۸ بود و مقارن با بحران ارزشها در نسل جوان تظاهرات دانشجویی که در پاریس، بروکسل و جاهای دیگر شروع شده بود در مونته‌ویدئو نیز چهره نمود و گسترش پیدا کرد. پروفسور آرشاگا که به امید پیاده کردن آرمانهای ملی و انسانی خود تحکیم اخلاق سیاسی در مملکت مسؤولیت وزارت را پذیرفته بود، وقتی در برابر دانشجویانی قرار گرفت که اصول و ارزشهایی را که خود به آنان آموخته بود برفراز سنگرهایشان فریاد می‌کشیدند، خویشتن را صادق‌تر و شرافتمندتر از آن

دید که در برابرشان مقاومت کند و دستور سرکوبی دهد لاجرم از وزارت استعفا کرد. در ۱۹۷۰ به قضاوت در دیوان بین‌المللی دادگستری برگزیده شد. پس از شش سال به مقام ریاست دیوان رسید که تا سال ۱۹۷۹ عهده دار آن بود. پس از آن هم صلاحیتهای علمی و عملی‌اش سبب گردید بارها به همکاری با آن دیوان فرا خوانده شود، زیرا متعاقباً به عنوان قاضی موردی در دعوی فلات قاره (تونس علیه جمهوری عربی لیبی) و دعوی فلات قاره (جمهوری عربی لیبی علیه مالت) و در سال اخیر به عنوان مشاور حقوقی دولت بحرین در دعوی «تحدید مرز دریایی و مسائل سرزمینی بین قطر و بحرین» تعیین گردید، و برای آخرین بار در مارس ۱۹۹۴ در برابر دیوان همچون همیشه روشن و دقیق خطا به ایراد کرد. علاوه بر آن، به ریاست دو داوری مهم بین‌المللی، اولی در دعوی رینبوواریور^{۱۸} (۱۹۸۸-۱۹۹۰) بین زلاندنو و فرانسه و دومی در دعوی تحدید

18. Rainbow Warrior.

مناطق دریایی^{۱۹} (۱۸۹۸-۱۹۹۲) بین دولتین فرانسه و کانادا، منصوب شد.

قاضی آرشاگا به مقام ریاست دادگاه اداری بانک جهانی و عضویت هیأت علمی آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه و عضویت انستیتو حقوق بین‌الملل نیز رسید^{۲۰} و در سال ۱۹۸۷ مدال علمی مانلی او هودسن را از طرف جامعه آمریکایی حقوق بین‌الملل دریافت کرد.

استاد آرشاگا علاوه بر زبان مادری (اسپانیایی) به زبانهای فرانسه و انگلیسی نیز مسلط بود و آثار متعددی در زمینه‌های مختلف حقوق بین‌الملل و نظام حقوقی - سیاسی سازمان ملل متحد از خود به جای گذاشت. از نخستین آثار گرفته چون «حل و فصل اختلافات بین‌المللی توسط شورای امنیت» به زبان فرانسه در سال ۱۹۵۴^{۲۱}، تا آثار لاحق او چون «حقوق

19. La delimitation des zones maritimes.

۲۰. گزارشهای آرشاگا به انستیتو حقوق بین‌الملل در خصوص «داوری بین دولتها و شرکتهای خارجی» غالباً محل رجوع حقوقدانان و داوران بین‌المللی است. از جمله رک.:

Institute of International Law, Yearbook, Vol. 68, Tome I, Session of St. Jacques de Campostelle, 1989, PP. 31 - 39, 52 - 55.

21. E. Jimenez de Arechaga: "Le traitement des differends internationaux par la Conseil de Securite," in R. C. A. D. I., Vol. 85, 1954, pp. 1-105.

بین‌الملل در ثلث اخیر قرن» که در سال ۱۹۷۸ به عنوان درس عام حقوق بین‌الملل عمومی به زبان انگلیسی در آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه ارائه داد،^{۲۲} همگی نمونه هایی از دانش ژرف، دقت، صراحت و لطافت درک حقوقی او محسوب می شوند.

دوران قضاوت و ریاست خیمنز دو آرشاگا در دیوان بین‌المللی دادگستری از جمله پربارترین سالها در کارنامه این عالی‌ترین مرجع قضایی دنیا به شمار می‌رود. با کوششهای فکری و تحت ریاست او بود که متن اصلاحی آییننامه داخلی دیوان در سال ۱۹۷۸ به تصویب نهایی رسید: متنی که همواره به عنوان یک «میراث غنی» دوره ریاست او یاد می‌شود.^{۲۳}

22. E. Jimenez de Arechaga: "International Law in the Past Third of a Century", General Course of Academy of International Law of the Hague, in R. C. A. D. I., Vol. 159, 1978/1, pp. 1-343.

۲۳. در این خصوص به خطابه بزرگداشت قاضی آرشاگا توسط قاضی محمد بجاری (M. Bedjaoui) ریاست کنونی دیوان بین‌المللی دادگستری در روز اول ژوئیه ۱۹۹۴ در دیوان بین‌المللی دادگستری ایراد شد، مراجعه شود. متن خطابه مزبور که هنوز رسماً انتشار نیافته است، متعاقباً در مجموعه آراء دیوان بین‌المللی دادگستری سال ۱۹۹۴ به مثابه جزئی از اسناد دیوان در دعوی «تحدید مرز دریایی و مسائل سرزمین بین قطر و بحرین» که آرشاگا در زمان فوت مشاور حقوقی آن بود، منتشر خواهد شد.

از هفتاد و شش سال حیات ادوارد و
خیمنز دو آرشاگا میراثهای غنی حقوقی
دیگر نیز به جای مانده است؛^{۲۴} میراث
نوشته‌هایی که در آنها اندیشه‌های حق
طلبانه و عدالتخواهانه یک حقوقدان جهان
سوم به زیباترین و رساترین وجهی تجلی
پیدا کرده‌اند.

بسیاری است زندگی انسان و
اندیشه‌هایش از یکدیگر تفکیک ناپذیرند.
رستگاران جهان همان گونه زندگی می‌کنند
که می‌اندیشند و همان‌گونه می‌اندیشند که
زندگی می‌کنند. این است که شناخت
اندیشه‌های استاد آرشاگا به همان اندازه
زندگی او اهمیت دارد.

۲

۲۴. برای آگاهی بیشتر از شرح حال ادوارد و خیمنز دو
آرشاگا، رک.:

- *Annuaire de la Cour Internationale de Justice*, 1985 – 1986, PP. 40 -41.

- *R. C. A. D. I.*, Vol. 159, 1978/1. PP. 6-7.

- *The International who's who*, 57th. Edition, Europa publications Limited, 1993 – 1994.

در صفحه ۷۷۳ مأخذ اخیر می‌خوانیم که آر شاگا در سال
۱۹۴۳ با مارتافیرا ازدواج کرده و صاحب سه پسر و دو
دختر است.

یادی از آرشاگا ... ❖ ۳۱۵

اندیشه‌ها

با مطالعه مهمترین آثار استاد آرشاگا می‌توان خطوط کلی اندیشه‌های حقوقی او و هدف نهایی تلاشهای فکریش را در دو عنوان زیر تلخیص کرد:

اول. تأمین صلح و امنیت بین‌المللی.
دوم. تحقق عدالت جهانی.

اول. تأمین صلح و امنیت بین‌المللی

با مطالعه نخستین درسی که استاد آرشاگا به سال ۱۹۵۴ در آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه راجع به «حل و فصل اختلافات بین‌المللی توسط شورای امنیت» ارائه کرد، خطوط اساسی اعتقاد او را به لزوم تأمین صلح و امنیت بین‌المللی و نقشی که شورای امنیت لازم است در این خصوص ایفا کند می‌توان درک نمود؛ اعتقادی که در نوشته‌های لاحق او با تحلیل‌های مشابه اما گسترده تر تکرار شده است.

به عقیده او مبنای صلاحیت شورای امنیت «نخستین بند ماده اول منشور است که سنگ زیربنای رژیم حل و فصل

مسالمت‌آمیز اختلافات توسط سازمان ملل متحد محسوب می‌شود و نتیجتاً به وسیله شورای امنیت است که این رژیم پیاده می‌گردد».^{۲۵}

در چارچوب انجام وظایف شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد، آرشاگا خواستار آن است که:

«سازمان ملل متحد باید حمایت بالسویه ای علیه تجاوز اعمال نماید، اعم از اینکه این تجاوز توسط کشورهای بزرگ صورت گیرد یا کشورهای کوچک، بنابراین، دو قانون وجود ندارد؛ یکی برای بزرگها و دیگری برای کوچکها».^{۲۶}

آرشاگا با اشاره به تجربه دخالت سازمان ملل در کره نهایتاً نتیجه می‌گیرد:

«با متوقف کردن متجاوز در کره، شورای امنیت سازمان ملل متحد به وجه کاملی به هدف اساسی اش نائل شد، اینکه

۲۵. رک. مجموعه دروس آکادمی حقوق بین الملل لاهه، سابق الذکر (پانوشت شماره ۲۱)، ص ۱۲.

۲۶. همان، ص ۹۹.

نباید پیروزی نظامی به دست آورد بلکه
باید تجاوز را سرکوب و معدوم کرد».^{۲۷}

وقتی استاد آرشاگا در سال ۱۹۶۴
موضوع «حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات و
امنیت جمعی بین‌المللی» را در چارچوب
عملکرد سازمان کشورهای آمریکایی مطرح و
در آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه تدریس
می‌کند، باز هم اعتقادش را به ایجاد
تحول در مکانیسم جهانی صلح به صراحت
نشان می‌دهد:

«درست است که ضعف شورای امنیت ایجاب
کرد که در سیستم منشور ابزاری برای
جبران کمبودها و حالت انفعالی آن رکن
پیدا شود و به همین جهت نیز مرکز ثقل
سازمان ملل متحد با قطعنامه اتحاد
برای تأمین صلح، از شورای امنیت به
مجمع عمومی و تبعاً به دبیرکل انتقال
یافت، اما نباید از این تحول تشکیلاتی
که محققاً با تصویب قطعنامه‌های متوالی
مجمع عمومی و قبول اکثریت بسیار وسیع
اعضا انجام گرفته است، چنین نتیجه
گرفت که این گونه جایگزینی قدرت می

۲۷. همان، ص ۱۰۰.

تواند به نفع سازمانهای منطقه ای و به زیان صلاحیت نظام جهانی سازمان ملل متحد تمام شود؛ نظامی که خود مکانیسم یکپارچه ای را بوجود آورده است.»^{۲۸}

سرانجام، آرشاگا پس از نقل نظرات آن دسته از حقوقدانان قاره آمریکا که استقلال مطلق تصمیم گیریهای منطقه ای سازمان کشورهای آمریکایی را در زمینه صلح بین‌المللی توجیه و تأیید می‌کردند، در برابرشان موضع می‌گیرد و می‌گوید:

«چنین تزی نه فقط اشتباه بلکه بس خطرناک است، لذا باید توجه کرد که براساس سیستم منشور ملل متحد، سازمان کشورهای آمریکایی نمی‌تواند به یک دولت عضو مجوز حقوقی دهد که اعمال زور کند، بی‌آنکه اجازه ای از سازمان ملل متحد وجود داشته باشد. تدابیر اعمال فشار، در صورت اتخاذ، فقط به شرطی قابل توجیه اند که دولت مسؤول

28. E. Jimenez de Arechaga: "La coordination des systems de l'ONU et l'Organisation des Etats Americains pour le reglement pacifique des differends et la securite collective." In R. C. A. D. I., Vol. III, 1964/I, P. 495.

تصویب کننده، خود به آنها مشروعیت داده باشد».^{۲۹}

تحلیلها و تلاشهای فکری استاد آرشاگا راجع به تأمین صلح و امنیت بین‌المللی بر مبنای اعتقادی است که به لزوم تحقق عدالت جهانی به عنوان هدفی انسانی دارد. این است که با حفظ چهره سیاسی و دانشگاهی، لباس قضاوت می‌پوشد و قلمش نیز رنگ و ساختار بیانی قضایی به خود می‌گیرد.

دوم. تحقق عدالت جهانی

استعفای آرشاگا در سال ۱۹۶۸ از مقام وزارت کشور اروگوئه و امتناع او از سرکوبی تظاهرات دانشجویان، به بهترین شکل گویای روح عدالتخواهی اوست. او مسئولیت سیاسی پذیرفته بود تا عدالت اجتماعی را در کشورش محقق کند، نه آنکه در برابر تظاهرات اصلاح‌طلبانه کسانی که شعارهای مطلوب خود او را فریاد می‌کشیدند، بایستد. نه سال قضاوت در دیوان بین‌المللی دادگستری و به موازات

۲۹. همان، ص ۴۹۹.

آن، تلاش‌های فکریش در آموختن^{۳۰} اصول عدالت بین‌المللی، ثبات وی را نسبت به همان اعتقاد اولیه‌اش نشان می‌دهد.

او در مقام تفسیر ماده ۹۲ منشور ملل متحد، پس از آنکه تحولات دیوان بین‌المللی دادگستری را در سالهای اخیر - به‌ویژه در آنچه به کاربرد گسترده عرف بین‌المللی مربوط می‌شد - مورد بحث قرار می‌دهد، درباره وظیفه دیوان، به اعتبار مضمون آراء خود آن، چنین می‌گوید:

«دیوان باید اصول منصفانه را به

عنوان جزء انفکاک ناپذیر حقوق بین

الملل پیاده کند و همه ملاحظاتی را که

درست و سزاوار می‌شمارد دقیقاً مدنظر

قرار دهد تا به نتیجه ای منصفانه

برسد.»^{۳۱}

۳۰. آرشاگا اعتقاد دارد که مراجع و مراکز علمی و حقوقی، محل بروز و ظهور محصول فکری و جایگاه حضور کسانی است که سابقاً آموخته و برای کار و ارائه دانش خود آمده اند نه برای کسب آن. در این مورد رک.:

UN. Gilberto Amado Memorial – The Amendments to the Rules of Procedure of the I. C. J., Lecture delivered on 15 June 1972 by E. Jimenea Arechaga, September 1972, P. IV.

31. E. Jimenez de Arechaga: "Commentaire d'Article 92 (chapter XIV)", in J. P. Cot et A. Pellet, la Charte des Nations Unies, 2a edition, Economica, Paris, 1990, p. 1262.

آرشاگا، هنگامی که به یاد چهارمین قرن تولد و گوگروسیوس و برای گرامیداشت خاطره او به ایراد سخن می‌پردازد، بیش از همه به جایگاه مفهوم عدالت در کلام گروسیوس تکیه می‌کند و می‌گوید:

«نخستین رگه تفکر گروسیوس و فلسفه حقوقی او باور عمیقش به اولویت جهانشمول عدالت است [...] در شرح حال او گفته شده است که: عدالت برای وی عالی‌ترین فضیلت و حتی می‌توان گفت در برگیرنده همه فضایل بود.»^{۳۲}

او در هدف حقوق نیز ایجاد تحول و تغییر به منظور نیل به عدالت را می‌بیند:

«حقوق به عنوان روندی که اجازه می‌دهد یک تغییر منظم به نتیجه برسد، توصیف شده است. اگر ایجاد تغییر و تحول در چارچوب روند منسجم حقوق ممکن

32. T. M. C. Asser Institut, *International Law and the Grotian Heritage*, The Hague, 1983, P. 4.
آرشاگادر پانوشتمان صفحه، در آنچه به شرح حال گروسیوس مربوط می‌شود. به مأخذ زیر ارجاع می‌دهد:
Knight: *The Life and Works of Hugo Grotius*, London, 1925, P. 11.

نگردد، شورش و آ نارشیسم نتیجه
اجتناب ناپذیر آن خواهد بود.»^{۳۳}

آرشاگا در راستای جستجوی تحقق
عدالت جهانی جای مهمی برای مسأله
مسئولیت بین‌المللی دولتها قائل است. او
ضمن درس عام «حقوق بین‌الملل عمومی» در
آکادمی لاهه^{۳۴} و همچنین طی مقاله‌ای تحت
عنوان «مسئولیت بین‌المللی دولتها»^{۳۵}
بسیاری از موضوعات مورد بحث و شایان
توجه مسئولیت بین‌المللی دولت را - که
ذیلاً تلخیص می‌شود - تجزیه و تحلیل می‌کند
و به آنها پاسخ می‌گوید:

۱. استاد آرشاگا اعتقاد دارد که
عناصر اصلی تحقق مسئولیت بین‌المللی
دولت، یکی ترک یک تعهد حقوقی بین‌المللی
است و دیگری انتساب این عمل به دولت.^{۳۶}

۳۳. همان مقاله، ص ۱۷.

۳۴. رک. مجموعه دروس آکادمی حقوق بین‌الملل لاهه، سابق
الذکر (پانوش شماره ۲۲)، صص ۲۱۳-۲۶۷.

35. E. Jimenez de Arechaga et Attila Tanzi: "La responsabilite internationale des Etats", in
Droit International - Bilan et Perspectives, M. Bedjaoui, T. 2, UNESCO, 1991, PP. 367 - 403.

۳۶. رک. مقاله اخیرالذکر، ص ۳۶۸.

یادی از آرشاگا ... ❖ ۳۲۳

۲. او در ارتباط با احراز مسؤلیت تئوری خطا^{۳۷} را، جز در موارد استثنایی، نمی پذیرد اما عقیده دارد:

«نفی تئوری خطا در حقوق بین الملل نباید این نتیجه را القا کند که مسؤلیت بین المللی باید صرفاً مبتنی بر «توجه زیان»^{۳۸} باشد. غیرمنطقی خواهد بود که نفی تئوری خطا را به عنوان یکی از عناصر تحقق مسؤلیت، به معنای قبول اصل «توجه زیان» به شمار آوریم»^{۳۹}.

بنابراین، آرشاگا اعمال تئوری «توجه زیان» را در صورت وجود ترتیبات عهدنامه ای و در مورد تحقق زیانهای خارق العاده و خطرناک می پذیرد.^{۴۰}

۳. ادواردو خیمنز دو آرشاگا، دولت را در صورت ارتکاب عمل غیرمشروع به لحاظ بین المللی مسؤول و مأخوذ به جبران خسارت می داند؛ مع هذا استثنائاتی نیز

37. La faute.

38. Le risque.

۳۹. همان مقاله، ص ۳۷۲.

۴۰. برای مطالعه کامل استدلالات اورک. همان مقاله، صص ۳۷۵-۳۷۲.

براین نوع مسؤولیت قائل است که اهم آنها عبارتند از: رضایت زیان دیده، دفاع مشروع، قاعده حالت اضطراری^{۴۱} و فورس ماژور.^{۴۲}

قاضی بجاوی، رئیس کنونی دیوان بین‌المللی دادگستری، در تاریخ اول ژوئیه ۱۹۹۴ طی خطابه‌ای که به‌منظور گرامیداشت قاضی ادواردو خیمنز دو آرشاگا ایراد کرد، این‌گونه نتیجه‌گیری نمود:

«اگر قرار باشد خصال او را تنها در دو واژه توصیف کنیم، آنچه از ویژگیهای او به خاطر خواهد رسید، «سادگی» و «نیکویی» است؛ و اگر قرار باشد با دو کلمه نیز زندگی شغلی وی را ارزشیابی نمایم (و من خویشتن را برای چنین کاری کوچک می‌بینم)، آنچه به درست‌ترین وجه توصیف‌کننده او خواهد بود، دو واژه «لیاقت» و «تواضع» است.»

41. l'etat de necessite.

42. رک. همان مقاله، صص ۳۷۵-۳۷۸.

و بالاخره، فقدان استاد آرشاگا جای خالی استاد میشل ویرالی را، که پنج سال پیش او نیز به طور ناگهانی دنیا را وداع گفت، تداعی می‌کند و ما را به وسوسه مقایسه می‌کشانند: اگر میشل ویرالی به موازات احاطه گسترده اش بر حقوق بین‌الملل معاصر و اندیشه سیاسی غرب، نشان داده بود که اندیشه‌های حقوقی جهان سوم را نیز شناخته است و به حمایت از کشورهای توسعه نیافته گرایش دارد، ادواردو خیمنزدو آرشاگا، همزمان با غوطه‌وری در اندیشه‌های حقوقی جهان سوم که در آن می‌زیست، به خوبی نشان داده بود که به همان اندازه بر دانش حقوق بین‌الملل معاصر و تفکرات سیاسی «غرب» مسلط است.

فهرست مهمترین آثار آرشاگا*

- Reconocimiento de Gobiernos, Montevideo, 1946.
- Introducción al Derecho, Montevideo, 1948.
- Voting and Handling of Disputes in the Security Council, New York, 1951.

*. مأخذ فهرست آثار آرشاگا:

E. Jiménez de Aréchaga: "International Law in the Past Third of a Century", General Course of Academy of International Law of the Hague, R. C. A. D. I., vol. 159, 1978/ I, p. 343.

- "Le traitement des différends internationaux par le Conseil de Sécurité", Recueil des cours, Academy of International Law, The Hague 1954.
- "La estipulación en faovr de terceros Estados en el Derecho International", Montevideo, 1955.
- "Treaty stipulations in favor or third States", American Journal of International Law, April 1956.
- "La legitima defensa individual en la Carta de las Naciones Unidas". Estudio en homenaje a Barcia Trelles, Santiago de Compostela, 1958.
- Derecho Constitucional de las Naciones Unidas, Madrid, 1958.
- Curso de Derecho International Publico, Vol. I, Teoria General and Vo. II, Los Estados y su dominio, Montevideo, 1959 and 1961.
- "International Rules Governing Use of Waters from International Watercourses", International Law Review, 1960, Vol. 2, No.2.
- L'Arbitrage entre des Etats et des sociétés privées étrangères", Etudes en l'honneur de Gilbert Gidel, Paris, 1961.
- "Fundamento del deber de compensar las nacionalizaciones de propiedades extranjeras", Anuario Uruguayo de Derecho International, 1962,
- "Los acontecimientos de octubre de 1962 y el Derecho International", Anario Uruguayo de Derecho International, 1963,
- "La Coordination des systèmes de l'ONU et de l'Organisation des Etats Américains pour le règlement

pacifique des différends et la sécurité collective",
Recueil des cours, Academy of International Law, The
Hague, 1964.

- "Una alarmante tentativa de ampliación del amparo diplomático: la protección judicial del accionsita",
Anuario Uruguayo de Derecho Internacional, 1965.
- Chapter on "International Responsibility", in Manual of
Public International Law, ed. M. Sørensen, London,
1968.
- "Judges ad hoc in Advisory Proceedings", Zeitschrift für
ausländisches öffentliches Recht und Völkerrecht, 1971.
- "International Responsibility of States for Acts of the
Judiciary", Essays in honour of Philip C. Jessup, 1972.
- "The Amendments to the Rules of Procedure of the
International Court of Justice", American Journal of
International Law 1973.
- "The Participation of International Organizations in
Advisory Proceedings before the International Court of
Justice", Il processo internazionale. Studi in onore di
Getano Morelli, 1975.